

جامعه

صفحه‌آر: حامد یزدانی

سفیران نجات
در مسیر عشق

جامعه پدیا

قرار امدادگران با زائران در تمام جاده‌های اربعین

فاطمه عسگری نیا | روزنامه‌نگار | هنوز زائران کوله‌هایشان را نبسته‌اند، اما آنها که قرار است اگر حادثه‌ای رخ داد، نخستین نفر کنارشان باشند، راهی شده‌اند. صحبت از امدادگران و داوطلبان جمعیت هلال احمر است که هر سال قبل از شروع رسمی سفر اربعین به مسیرهای منتهی به مرزهای کشور در همسایگی عراق تا خود عراق اعزام می‌شوند.

آنها امسال هم به رسم هر سال راهی میعادگاه‌ها شدند، آن هم بعد از تجدید میثاق پسا بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران. حیاط مرقد امام خمینی (ره) صبح سه‌شنبه فقط محل بدرقه چند هزار امدادگر نبود؛ قرارگاهی بود برای بدرقه مردان و زنانی که لباس سفید و سرخ هلال احمر را بر تن کرده‌اند تا پیش از رسیدن میلیون‌ها زائر به جاده‌های اربعین، خودشان را به خط مقدم خدمت برسانند.

سفری امن برای زائران

پرچم‌های سرخ و سفید هلال احمر در یاد تکان می‌خورد و خودروهای امدادی یکی یکی آماده حرکت می‌شوند. میان جمعیت، امدادگری کوله‌اش را برای آخرین بار بررسی می‌کند، دیگری با رفقایش گپ‌وگفت می‌کند و چند نفر هم کنار آمبولانس‌ها عکس یادگاری می‌اندازند. برای خیلی از آنها این نخستین اربعین نیست؛ سال‌هاست که به‌جای آنکه زائر باشند، ناجی و یاریگر زائرانند. امدادگران و داوطلبانی که خیلی‌هاشان حسرت زیارت حرمین در همین سفر اربعین به دلشان می‌ماند، اما پشت صحنه سفر اربعین امنیت و سفری ایمن را برای زائران مهیا می‌کنند. زائرانی که هر سال راهی اربعین می‌شوند، شاید فقط موبک‌ها را ببینند، اما خبر ندارند پشت این سفر، هزاران امدادگر شبانه‌روز آماده‌اند تا اگر حادثه‌ای رخ داد، فاصله میان خطر و نجات، فقط چند دقیقه باشد.

۸۵۰۰ امدادگر آماده خدمت در اربعین

اصل و شرح

کاروان امسال هم مانند سال‌های گذشته فقط یک گروه امدادی نیست و پشت این کاروان فقط چند آمبولانس دیده نمی‌شود بلکه شبکه‌ای از هزاران امدادگر، پزشک، پرستار و داوطلب قرار دارد که مأموریتشان از مرزهای ایران آغاز می‌شود. این نیروهای تخصصی قرار است از

مرزهای کشور تا مسیرهای پیاده‌روی عراق، امنیت درمانی زائران را تأمین کنند. به گفته رئیس جمعیت هلال احمر کشور، در مراسم بدرقه تیم‌های امدادی به کر بلا امسال ۸ هزار و ۵۰۰ امدادگر تخصصی به همراه ۲۰۰ خودروی امدادی و ۱۵۰ بالگرد در عملیات اربعین حضور دارند: «علاوه بر آن، ۲ هزار و ۲۰۰ در مانگاه سیار، ۳۵۰ در مانگاه پیش بیمارستانی و ۵ بیمارستان نیز در مسیر خدمت‌رسانی فعال خواهند بود.»

مردم جنگی- ازدواجی

آمار ازدواج در جنگ ۱۲ روزه بیشتر شد و در جنگ تحمیلی سوم هم کاهش خاصی نداشت

جامعه
امروز

محمد سربابی | روزنامه‌نگار | در جنگ‌های یک سال گذشته، عده زیادی از هموطنان به شهادت رسیدند. ساختمان‌هایی تخریب شد و سرمایه‌هایی از دست رفت، اما مردم ما در دشوارترین شرایط به زندگی ادامه دادند. در حالی که انتظار می‌رفت جامعه ایرانی زیر فشار جنگ به حفظ حیات و بقا بپردازد، ازدواج به صورت یک واکنش دفاعی در آمد و در مقابل تهدید جنگ ایستاد. بر خلاف آنچه انتظار می‌رفت، وقوع ۲ جنگ در طول یک سال نتوانست آمار ازدواج را کاهش دهد. در جنگ ۱۲ روزه آمار ازدواج افزایش داشت و در جنگ تحمیلی سوم هم کاهش خاصی رخ نداد. یک کارشناس اجتماعی در گفت‌وگو با همشهری این پدیده را نوعی تاب‌آوری مردمی بیان می‌کند.

قدرت تاب‌آوری اجتماعی

چرا مردمی که زیر بمباران هستند موضوعی مانند ازدواج را از برنامه زندگی خود کنار نمی‌گذارند؟ یک جمعیت‌شناس در این باره به همشهری می‌گوید: آمار ازدواج‌ها نشان‌دهنده افزایش تاب‌آوری اجتماعی است. این کشور بحران‌های مختلفی را پشت سر گذاشته و شاید همین اتفاقات تاب‌آوری مردم را تقویت کرده‌اند. ازدواج عادی خود را تغییر نداده‌اند. محمود مشفق با اشاره به افزایش آمار ازدواج در جنگ ۱۲ روزه بیان می‌کند: مردم اعتقایی به جنگ نکردند و برنامه‌هایی را که برای زندگی خود داشتند ادامه دادند. باید بررسی شود که چه متغیرهای دیگری در افزایش یا ثابت ماندن آمار ازدواج تأثیر داشته‌اند. اما به‌صورت کلی انتظار داریم که در هر دوره جنگ شاخص‌های ازدواج و باروری در جامعه کاهش پیدا کند، چون زندگی روزمره تغییر می‌کند. با این حال دیدیم که چنین اتفاقی رخ نداد و حتی تعداد ازدواج‌ها بیشتر هم شد. عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی درباره کاهش کلی آمار ازدواج در یک دهه اخیر نیز می‌گوید: بخشی از کاهش کلی آمار ازدواج در ۱۰ سال اخیر مربوط به شرایط اقتصادی است، اما تغییر نسل‌ها را هم نباید نادیده گرفت. بسیاری از کسانی که در معرض ازدواج قرار داشتند در طول این سال‌ها از موقعیت ازدواج خارج شده‌اند. وقتی یک نسل از نظر سنی دیگر در معرض ازدواج نباشد، میزان ازدواج‌های ثبت‌شده هم کاهش پیدا می‌کند.

تراکم ازدواج پیش از محرم

مرکز پژوهش‌های مجلس گزارشی منتشر کرده است که براساس آن میزان ازدواج در طول جنگ ۱۲ روزه از خرداد تا تیرماه سال ۱۴۰۴ به نسبت همان محدوده زمانی در سال ۱۴۰۳ بیش از ۲۰ درصد افزایش داشته است. از نظر تقویمی جنگ ۱۲ روزه دقیقاً در محدوده زمانی پیش از دهه محرم رخ داد. از قرن‌های قبل، ایرانیان با احترام به سنت‌های قدیمی و برای پاسداشت ایام عزاداری یا عبدالله (ع) پیوندهای ازدواج را پیش از ایام عزاداری محرم و صفر برگزار می‌کنند. همین باعث می‌شود که تراکم ازدواج‌های ثبت‌شده در روزهای بین عید غدیر و اول محرم افزایش پیدا کند. در سال ۱۴۰۴ همه این زمانبندی‌ها با حمله آمریکا و رژیم صهیونیستی مواجه شد، اما حتی خطر حمله و جنگ هم برنامه‌ها را تغییر نداد و آمار ثبت ازدواج به نسبت همین محدوده زمانی در سال ۱۴۰۳ که شامل میانه ماه ذی‌الحجه بود، افزایش پیدا کرد. در این دوره تنها ۱۳ استان تهران، کردستان و سیستان و بلوچستان با کاهش تعداد ازدواج‌ها روبه‌رو شدند.

مورد

ازدواج‌های ثبت‌شده
در ۲۴ خردادماه ۱۴۰۴
(یک روز پس از شروع جنگ)

مورد

ازدواج‌های اول فروردین تا
۱۵ اردیبهشت سال ۱۴۰۴

مورد

ازدواج‌های اول فروردین تا
۱۵ اردیبهشت سال ۱۴۰۵
(۵ درصد کاهش)

حفظ ثبات در جنگ طولانی

اسفند ۱۴۰۴ ایران در شرایط تهدید جنگی از سسوی آمریکا به سر می‌برد و حضور نیروهای نظامی دشمن در منطقه خبر از احتمال وقوع حمله می‌داد. در نخستین روزهای شروع جنگ، آمار ازدواج نزدیک ۵۰ درصد کاهش پیدا کرد و در طول اسفندماه همچنان کمتر از مدت مشابه سال قبل بود. با طولانی‌شدن جنگ و شروع سال نو، شدت کاهش آمار متعادل‌تر شد و به‌عذر صدر رسید. این مقدار کاهش با توجه به شرایط کلی کشور نظیر بحران اقتصادی فراگیر چندان محسوس نیست. می‌توان گفت که در جنگ تحمیلی سوم هم حملات دائمی نتوانست بر روند ازدواج در کشور تأثیر بگذارد.

یاد مردم غزه
در فینال جام جهانی

حمایت مردم و سیاستمداران اسپانیا از مردم فلسطین تبدیل به یک پیوند ناگسستنی شده است تا جایی که طرفداران تیم ملی اسپانیا در درخشان‌ترین لحظات فینال جام جهانی، یعنی درست آن دقیقه‌ای که قلب

استاد یوم نمائد و اهالی غزه نیز در میان خرابه‌های شهرشان، وقتی داور سوت پایان بازی را زد و اسپانیا قهرمان جام شد، شادی را فریاد زدند؛ درست مانند شادی برای موفقیت یک دوست قدیمی.

طرفداران این تیم از شادی قهرمانی جهان بر سینه می‌کوبید، مردمان آزادی‌طلب شعار «فلسطین آزاد» سر دادند و پرچم فلسطین را در میان تماشاگران و زمین چمن گردانند. این شادی محدود به فضای

گزارش

صفحه‌آر: امهدی سلامی

خیاطی با چشم‌های کاملاً بسته

درباره پیرمرد پاره‌ای که نادیده، لباس می‌دوزد و هنرش سر زبان‌هاست

گزارش

سحر جعفریان عصر | روزنامه‌نگار | کمی مانده تا آفتاب به شانه‌های کوه شاهو بنشیند و نور از بلندی آن به خانه‌های پلکانی پاره بریزد. این درست همان وقتی از صبح است که کاک‌علی، پست‌پنه (شال کمر) بسته و باشنه‌گفتاش را وور کشیده از خانه بیرون می‌رود. خیاط است و خیاط‌خانه‌اش ده‌ای کوچک و به‌رنگ سفید در خم یکی از خیابان‌های پر رفت‌وآمد پاره. نشانی ده‌کاش را هم همه می‌دانند؛ همه اهالی پاره و دیگر روستاها و شهرهای دور و نزدیک. علی‌بدری، همان خیاط کهنه‌کار و نایبانی کردی است که چند روز قبل از اوج گرفتن دوباره جنگ، تصاویر و ویدئوهای دست‌به‌نیخ و سوزن‌شدنش در کنار دوخت و دوزهای حرفه‌ای‌اش در شبکه‌های اجتماعی حسابی چرخید. حالا اما خیاط معروف، گرفتار سالخورده‌گی ست و کمتر، توان دوزندگی دارد. با او و سعدی بدری (پسرش) از نایبانی، کوه شاهو، کبک و متر چوبی گفتیم.

روزگار یک چشمی

سن و سال زیاد، زورش را گرفته و حالا بیشتر از خیاطی، خانه‌نشینی می‌کند. کاک‌علی، این پابیز به گفته پسرش ۹۴ ساله می‌شود. بسیاری از این سال‌های عمرش، پشت چرخ خیاطی و به اندازه‌گیری، برش، کسوک و دوخت لباس مرده‌اند کردی گذشته است. «چه روزایی... همه‌ش کار و تاریکی...» این را سال گذشته، وقتی به لنز دوربین یکی از اینفلوئنسرهای نام‌آشنا در حوزه سفر و گردشگری نگاه می‌کرد، گفته بود. منظور کاک‌علی از کار، خیاطی و از تاریکی نیز نایبانی بود: «نوزاد سه چهار ماهه بودم که چشم راستم را عفونت، قرمز شد. اون وقت پاره مثل پاره حالا نبود که دکتر و دوا، دم‌دست باشه. درمونمون نسخه‌های قدیمی دالک (مادر) و دایه‌ها بود. چشمم رو با دستمال بستم... اما خوب نشد و کم‌کم نورش رفت.» تمام کودکی کاک‌علی میان شیب کوه، کنار چشمه‌ها و لایه‌لای درختان بلوط اورامانات با همان یک چشم، سپری شد و خوش بود؛ صبح در باغ‌ها می‌گشت و عصر‌ها بر قله کوهی، چای می‌خورد.



تاریکی بعد از شاهو و شکار کبک

آن قدر کوه شاهو را از دامنه، صخره و گردنه تا دره، مارو، یال و قله دوست داشت که اگر خانه نبود و کسی سراسر از می‌گرفت، می‌گفتند برو آن یکی خانه‌اش یعنی شاهو کوه. این قصه را سعدی، هزار بار از پدر شنیده و خود نیز هزار و یکبار برای دیگرانی مثل دوست و آشنا تا خبرنگار و بلاگرها بازگو می‌کند و حالا هم به خبرنگار همشهری می‌گوید: «هنوز هم شاهو رو مثل کف‌دستش بلده. حتی جای خواب کبک‌ها رو هم می‌دونه. جوان که بود کوهنوردی غیربومی زبانی رو تا قله زاولی و ارتفاعات شاهو در محدوده پاره می‌برد. شکار هم دوست داشت...»

جایی در مستند کوتاهی که دهه ۸۰ یک کارگردان جوان از زندگی او با نام «کور بینا» ساخته، گفته‌بود: «...چون یومد و نادون... خدا از سر تقصیر و گناه برای شکار حیوانات زبون‌بسته بگذره...» اقبضه تفنگ داشت؛ دولول آلمانی کالیبر ۱۲ یاگادار پدرش و ساچمهای سرپر که از بازار میروان خریده بود.

امید عاشقانه شوکت خانم

۲ ماه بعد از آنکه با شوکت، دختری از روستای شمشیر حوالی اورامانات، ازدواج کرد آن حادثه رخ داد. داستان حادثه را سعدی تعریف می‌کند: «صبح رفت شاهو و ظهر روی قله‌اش بود. با سنگا همونجا کمینگاه درست می‌کنه. به کبک رواز میون چند بال کبک وحشی نشونه می‌گیره... شلیک می‌کنه اما گلوله به صخره کمونه می‌کنه و برمی‌گرده...» گلوله به چشم چپ و سالم کاک‌علی فرومی‌رود. او از آن لحظه، فقط درد، بوی خون و صدای کبک‌ها را به‌خاطر دارد. کمی که گذشت با چوب درخت بلوط برای خودش عصا درست کرد. یک سر عصا را جلوتر از قدم‌هایش، زمین می‌کوبید تا راه‌ها را پیدا کند؛ حیاط خانه، کوه شهید مسلمی، میدان بسج، بازار پاره، باغ‌های اورامانات، آبادی‌های اطراف و هر جای دیگری که یا حال و هوايش را عوض می‌کرد و یا در آن خبری از کار و درآمد بود. مدتی در زمین‌های کشاورزی و باغ‌ها کارگری کرد تا سفره خانه، خالی نماند. کاک‌علی، پادش نیست کی و چطور به فکر پیشه بدی افتاد: «باوکم (پدرم) خیاط بود؛ خیاط کار کشته لباسی کردی. هر کسی نمی‌تونه رانک، پاتول، شروال و پیژامه کردی بدوزه...» فوت و فن خیاطی را و درست پدرش آموخته بود: «چرا خیاطی نکنم؟!» اوایل هر کس می‌شنید، می‌گفت: «دیوانه شدی؟ بدون چشم مگه میشه متر بگیر و قیچی بزنی؟»